

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جهانی شدن و منطقه گرایی در خاورمیانه

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد

در رشته مطالعات منطقه‌ای

توسط:

حسن منصوری

استاد راهنما:

دکتر محمد غفوری

۱۳۸۸/۱۲/۲

مراجعه به مرکز علمی پژوهش

دانشگاه شهید بهشتی

شهریور ماه ۱۳۸۸

تقدیم بہ پدر و مادر

برگه تأییدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه: جهانی شدن و منطقه گرایی در خاورمیانه

نام دانشجو: حسن منصوری

دوره: کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای

این پایان نامه در جلسه ۱۳۸۸/۰۶/۱۸ با نمره ۱۷/۷۵ و درجه بسیار خوب مورد تأیید اعضای

کمیته پایان نامه متشکل از استادان ذیل قرار گرفت:

استاد راهنما

دکتر محمد غفوری

امضاء

استاد مشاور

دکتر محمد رضا تاجیک

امضاء

استاد داور

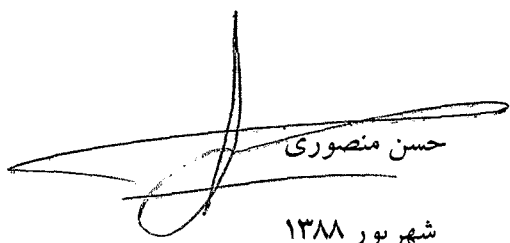
دکتر محمد باقر حشمت‌زاده

امضاء



اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط این جانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی اسفند ۱۳۸۷ تا شهریور ۱۳۸۸ به انجام رسیده است. به استثنای کمک‌های مورد اشاره در سپاس‌گزاری، محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط خود این جانب تنظیم شده است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه‌ها ارائه نشده است.



حسن منصورى

شهریور ۱۳۸۸

سپاس‌گزاری

اینجانب موفقیت خود را مدیون کسانی می‌دانم که در طول دوران زندگی و تحصیل همواره در کنار من بوده و زحمات بسیاری در رسیدن من به موقعیت و جایگاه فعلی متحمل شده‌اند. بر این اساس لازم می‌دانم بر حسب وظیفه از اشخاص ذیل تشکر و قدر دانی کنم:

اول از همه از پدر و مادر عزیزم که بزرگترین حامیان من در طول دوران زندگی بوده و بیشترین زحمات را برای موفقیت من کشیده‌اند.

از جناب آقای دکتر محمد غفوری استاد راهنمای این پروژه که علاوه بر راهنمایی پروژه و زحمات بسیار، از محضرشان درس علم و اخلاق را فرا گرفتم.

از جناب آقای دکتر محمدرضا تاجیک، استاد مشاور، به خاطر زحماتی که در اصلاح و تنظیم این پایان‌نامه کشیدند.

از جناب آقای دکتر محمدباقر حشمت‌زاده، به خاطر توصیه‌های کارشناسانه و اصلاحات دقیق‌شان در سمت استاد ناظر.

از مدیر گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، جناب آقای دکتر منصور میر احمدی، که با سعه‌صدر همواره در حل مشکلات دانشجویان پیشقدم بوده و هستند.

از سرکار خانم مهین مرنندی، منشی گروه علوم سیاسی و دیگر کارمندان محترم دانشکده که با گشاده‌رویی در انجام امور مربوط به پایان‌نامه با دانشجویان همکاری و همیاری می‌کنند.

همچنین از سایر دوستان، دانشجویان و اساتیدی که ذکر نامشان در این مختصر نمی‌گنجید کمال تشکر و قدردانی را دارم.

عنوان: جهانی شدن و منطقه گرایی در خاورمیانه

دانشجو: حسن منصوری

استاد راهنما: دکتر محمد غفوری

دوره: کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای گرایش خاورمیانه

تاریخ ارائه: شهریور ماه ۱۳۸۸

چکیده:

جهان معاصر شاهد تحولات صنعتی، تمدنی و فرهنگی عظیمی بوده است. وسعت این تحولات به حدی است که امواج آن به نظریه‌های سیاسی نیز کشیده شده است. یکی از این تحولات جهانی شدن است که آغاز این پدیده را اغلب به اواخر دهه ۱۹۸۰ نسبت می‌دهند. در فرآیند جهانی شدن الزامات و قید و بندهای جغرافیایی حاکم بر روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تضعیف می‌شود و یا از بین می‌رود. از طرف دیگر یکی از پدیده‌های ملازم با جهانی شدن که همراه با آن در حال روی دادن است، همگرایی منطقه‌ای است. جهانی شدن بیش از هر جای دیگر در خاورمیانه با موانع و چالش‌هایی مواجه است که روند همگرایی را با مشکل مواجه کرده است.

در این پژوهش و در پی یافتن پاسخ اصلی، با تبیین ماهیت و مؤلفه‌های جهانی شدن و منطقه گرایی به دنبال بررسی تأثیر جهانی شدن بر همگرایی منطقه‌ای در خاورمیانه هستیم. بدین منظور ضمن بررسی مختصات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همچنین سابقه همگرایی در خاورمیانه سعی در شناخت عوامل و موانع همگرایی میان کشورهای این منطقه داشته ایم. در انتها نیز با برآورد تأثیرات جهانی شدن بر کشورهای خاورمیانه به دنبال بررسی این موضوع هستیم که آیا جهانی شدن باعث افزایش همگرایی در خاورمیانه می‌شود یا زمینه‌های واگرایی را بیشتر پدید می‌آورد.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، همگرایی منطقه‌ای، خاورمیانه

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه و کلیات

۲	طرح مسئله
۵	پیشینه پژوهش
۷	سؤالات اصلی و فرعی تحقیق
۷	سؤالات فرعی
۸	مفروضات
۸	فرضیه‌ها
۹	مفاهیم و متغیرها
۹	روش تحقیق

فصل دوم: مباحث نظری و مفهومی

۱۱	مباحث نظری و مفهومی
۱۲	۱- سطوح تحلیل در مطالعات روابط بین الملل
۱۲	الف) سطح تحلیل کلان
۱۳	ب) سطح تحلیل خرد
۱۴	ج) سطح پیوستگی
۱۵	۲- همگرایی منطقه‌ای به عنوان سطح تحلیل پیوستگی
۱۸	۳- تعاریف و نظریه های مربوط به همگرایی
۱۸	- تعریف دیوید میترا نی از همگرایی
۱۹	- تعریف ارنست هاس از همگرایی
۱۹	چارچوب های نظری در مورد همگرایی
۲۲	تئوری کارکردگرایی
۲۴	تئوری ارتباطات
۲۵	تئوری نوکارکردگرایی
۲۸	دیدگاه شناختی ارنست هاس

۳۰	شرایط و معیارهای ارزیابی همگرایی منطقه ای
۳۴	جهانی شدن
۳۴	مفهوم جهانی شدن
۳۷	جهانی شدن از دیدگاه برخی رویکردها
۳۷	جهانی شدن از دیدگاه رئالیست ها
۳۸	جهانی شدن از دیدگاه رفتارگرایان
۳۸	جهانی شدن از دیدگاه مارکسیست ها
۳۹	جهانی شدن از دیدگاه لیبرال ها

فصل سوم: تاریخچه منطقه گرایی در خاورمیانه

۴۳	مقدمه
۴۹	جنگ جهانی اول و شکل گیری دولت - ملت های جدید در خاورمیانه
۵۱	وسعت و جمعیت خاورمیانه
۵۳	اهمیت منطقه خاورمیانه
۵۳	موقعیت ژئوپلیتیکی خاورمیانه
۵۳	خاورمیانه بعد از جنگ جهانی دوم
۵۴	خاورمیانه بعد از جنگ جهانی دوم
۵۵	مبانی تکوین دولت - ملت در غرب
۵۸	پایان اتحاد مصر و سوریه
۵۹	فدراسیون عربی (وحدت اردن و عراق)
۶۲	زمینه پیدایش اتحادیه عرب
۶۳	اتحادیه عرب (الجامعه العربیه)
۶۵	مشکلات اتحادیه عرب
۶۶	شورای همکاری خلیج فارس
۷۲	سازمان همکاری منطقه ای برای عمان (آری.سی.دی)
۷۶	ظرفیت های آکو

فصل چهارم: موانع منطقه گرایی در خاورمیانه

۷۹	مقدمه
۸۶	عدم توسعه سیاسی اعضا
۹۰	بررسی مشکلات ساختاری - سیاسی
۹۲	عدم ثبات سیاسی اعضا
۹۴	وجود اختلافات مرزی
۹۷	ناسیونالیسم و ضعف تفکر فراملی
۱۰۰	نفوذ قدرتهای بزرگ و ضعف نخبگان سیاسی
۱۰۶	انسجام اجتماعی و فرهنگی
۱۰۷	قومیت ها و احزاب در خاورمیانه
۱۱۲	موانع امنیتی - سیاسی
۱۱۳	ساختار روابط در میان دولتهای منطقه
۱۱۶	موانع ساختاری - اجرایی
۱۱۸	موانع اقتصادی

فصل پنجم: تأثیر جهانی شدن بر همگرایی در خاورمیانه

۱۲۵	پیامدهای جهانی شدن بر کشورهای خاورمیانه
۱۲۵	مقدمه
۱۲۶	جهان شدن و اقتصاد خاورمیانه
۱۳۰	جهان شدن، سیاست و خاورمیانه
۱۳۲	خاورمیانه و پیامدهای اجتماعی - فرهنگی جهانی شدن
۱۳۴	بنیادگرایی و جهان شدن
۱۳۶	جهانی شدن فن آوری اطلاعات و خاورمیانه
۱۳۸	جهانی شدن و منطقه گرایی در خاورمیانه

فصل ششم: جمع بندی و نتیجه گیری

۱۴۶	جمع بندی و نتیجه گیری
-----	-------	-----------------------

۱۵۰	آزمون فرضیه ها و نتیجه گیری
۱۵۲	نتیجه های این پژوهش
۱۵۲	راهکار
۱۵۴	سناریوهای موجود برای آینده همگرایی در خاورمیانه
۱۵۶	منابع و مآخذ

مقدمه و کلیات

طرح مسئله:

قرن بیستم شاهد تحولات صنعتی، تمدنی و فرهنگی عظیمی بوده است. فقط با گذشت زمان می توان به عمق این تحولات آگاهی یافت. رقابت های سیاسی و اقتصادی نوینی در حال تکوین و قشر بندی های اجتماعی جدیدی در حال ظهورند. شدت این تحولات آن قدر است که امواج آن به نظریه سیاسی نیز کشیده شده است. یکی از مفاهیم و واژه های جدید در نظریه سیاسی، جهانی شدن (Globalization) است.

از اواخر دهه ۱۹۸۰، واژه جهانی شدن بر سر زبان ها جاری شد و نه تنها در فرهنگ لغات و مجامع علمی و فرهنگی، بلکه در میان روزنامه نگاران، سیاستمداران، بانکداران، مبلغان مذهبی و بازیگران به کرات به کار رفت. محققان علوم اجتماعی و انسانی نیز از اواخر قرن بیستم ابعاد مختلف این پدیده را بررسی کرده و کلمات مرکبی چون بازار جهانی، مکالمات جهانی، مجامع جهانی، تهدید جهانی، امنیت جهانی، صلح جهانی، اقتصاد جهانی و فرهنگ جهانی را در آثار خود به کار برده اند.

در مورد تعریف واژه جهانی شدن اتفاق نظری وجود ندارد ولی با توجه به شناخت جهانی شدن به عنوان یک فرایند، پدیده یا ایدئولوژی می توان آنرا به سه گروه تقسیم کرد. در جهانی شدن به عنوان فرایند، جهانی شدن یک جریان و روند اجتماعی پویا است که در آن قید و بندهای جغرافیایی حاکم بر روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تضعیف می شود و یا از بین می رود در اینجا منظور ما از جهانی شدن شناخت آن به عنوان یک فرایند است.

در جهانی شدن به عنوان یک پدیده، جهان شدن رویدادی است که بر گسترش وسیع و عمیق تعامل بین الملل دلالت دارد. آن چنان که تولید، تقسیم کار و تجارت، جهانی می شود و دنیا بصورت شبکه ای مرتبط، به یک مرکز داد و ستد تبدیل می گردد.

در تلقی از جهانی شدن به عنوان یک اندیشه و ایدئولوژی، جهانی شدن به تفکر لیبرال دموکراسی غربی اشاره دارد، به نحوی که مهاجرت و انقلاب در تکنولوژی ارتباطات، باعث تداوم، تسلط و تثبیت فرهنگ غربی در سراسر جهان می شود.

بنابراین مهمترین ویژگی در جهانی شدن افزایش ارتباطات جوامع با یکدیگر و افزایش امکان اثر گذاری بر تصمیمات دیگر جوامع است.

از دیگر واژه ها و اصطلاحاتی که در دهه های اخیر بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. منطقه گرایی (Regionalism) و همگرایی (Integration) است. گرچه سابقه ایجاد نهادهای منطقه ای بین دولت ها به زمان های بسیار دور بر می گردد ولی اکثر این اتحادهای مانند «اتحاد مقدس» که تحت لوای مسیحیت در اروپا بوجود آمد عمدتاً اهداف امپریالیستی و مصلحتی داشته اند و امپراطوران و اشراف برای مقابله با حرکت های مردمی به آنها متوسل می شدند. در کل اندیشه جلوگیری از جنگ و مصائب آن و دستیابی به صلح پایدار از اولین انگیزه های تشکیل نهادهای منطقه ای از طریق پیمان های سیاسی بود.^۱

با وجود قدمت، در عمل همگرایی یکی از تئوری های جدید در عرصه مطالعات روابط بین الملل به شمار می رود و پس از تجدید حیات اقتصادی اروپا به دنبال جنگ جهانی دوم از اهمیت خاصی برخوردار شد. در اینجا همگرایی عبارت است از فرایندی که طی آن واحدهای سیاسی بصورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف های مشترک صرف نظر کرده و از یک قدرت فوق ملی پیروی می کنند. بطور کلی ۴ دسته از تئوری ها در مورد همگرایی وجود دارد:

الف) فدرالیست ها: اندیشه وحدت جهانی از گذشته های دور برای تأمین صلح و امنیت جهانی مورد توجه متفکران و نظریه پردازان سیاسی بوده است. فدرال گرایان به ایجاد نهادهای سیاسی مشترک برای سامان دادن به نظم مشترک در میان جوامع انسانی پرداخته اند. نظریه پردازان این مکتب که به نهاد سازی برای توسعه ارتباط در مابین جوامع سیاسی توجه دارند. بر این باور هستند که با بوجود آمدن نهادهای مشترک،

۱- کاظمی، علی اصغر، روابط بین الملل در تئوری و عمل، تهران، انتشارات قومس، ۱۳۷۲، ص ۴۹۲

ایستارهای مشترک انسان ها تقویت می شود و ادراک اجتماعی بوجود می آید. آنها بطور ضمنی نهادهایی را که در سطوح ملی با موفقیت عمل کرده اند، به سطح فراملی ارتقاء می دهند.^۱

ب) کارکردگرایان: در این دیدگاه سازمان های کارکردی با توجه به منافع مشترک، عاداتی برای همکاری ایجاد می کنند که انسان برای هدایت و کنترل روابط بین المللی از طریق همکاری با آنها خو می گیرد. و بالاخره با ایجاد شبکه هایی از سازمان های کارکردی بین المللی برای رفع نیازهای گوناگون انسان، تمایل و گرایش به جنگ از میان می رود و انسان در مسیر صلح جاودانه قرار خواهد گرفت.^۲

ج) ارتباطات: کارل دیچ بدون آنکه نظریه همگرایی خود را به سطح منطقه ای محدود کند، همگرایی را روندی می داند که طی آن واحدهای مختلف به منظور دستیابی به صلح با یکدیگر همکاری می کنند. وی حفظ صلح، حصول ظرفیت های چند منظوره گسترده تر، نیل به بعضی از وظایف خاص و کسب هویت و تصویری جدید از خود را اهداف همگرایی بیان می کند.^۳

د) نوکارکردگرایی:

در این خصوص برجسته ترین نظریات نظریه کارکرد گرایی نوین بوده که طراحان آن قصد داشته اند تکامل یکپارچگی اروپا را بر اساس انتقال از یک بخش به بخش دیگر، در حالیکه منابع و علائق نخبگان به سطح قاره اروپا گسترش پیدا می کند، توضیح دهند.^۴ جوهره این تئوری غلبه تدریجی و گام به گام تصمیمات اقتصادی بر انتخاب های حاد سیاسی است.

۱- کولایی، الهه، اکو و همگرایی منطقه ای: چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۷۹، ص ۲۹

۲- پیشین، ص ۳۲

۳- نصوحیان، محمد مهدی، موانع همگرایی و ثبات در منطقه خلیج فارس، فصلنامه ره آورد سیاسی، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۴۴

۴- بلیس، جان - اسمیت، استیو، جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶

بدین ترتیب جهانی شدن را بسته به قابلیت ها و واکنش کشورها با خلق شرایط و مقتضیات جدید پیش روی کشورها می توان هم بعنوان عاملی تهدید کننده و هم فرصت زا تلقی کرد. آنچه اکثر محققان به آن معتقدند این است که برای انطباق با شرایط ایجاد شده پیش روی جوامع و توانایی سازگاری با نظام بین الملل جهانی شده نیاز به رویکردهای متفاوتی نسبت به گذشته است که در این میان جوامع کمتر توسعه یافته از جوامع توسعه یافته با موانع بیشتری روبرو خواهند بود. در این تحقیق به بررسی نحوه تعامل کشورهای خاورمیانه (بعنوان بخشی از جوامع کمتر توسعه یافته) با پدیده جهانی شدن و تأثیر آن بر روند همگرایی میان این کشورها خواهیم پرداخت در جهان امروز شاهد این امر هستیم که دولت ها برای فرار از هزینه های جهانی شدن و یا ایجاد آمادگی در مقابل آن به سمت همگرایی روی آورده اند. در این پژوهش به دنبال این هستیم که در عصر جهانی شدن واکنش کشورهای منطقه خاورمیانه نسبت به همگرایی منطقه ای چگونه است.

پیشینه پژوهش:

کتاب ها :

بوزان ، بازی ، مردم ، دولت ها و هراس ، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی ، تهران ، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷

وی در این کتاب عنوان می کند که ساخت منطقه ای می تواند به عنوان عاملی برای پرهیز از تبعات منفی جهانی شدن برای واحدهای ملی عمل کند. بوزان معتقد است که ساخت منطقه ای به عنوان حایلی میان ساخت ملی و ساخت جهانی نیز عمل می کند. ساخت منطقه ای به روندهای موجود در سطح منطقه اشاره دارد و به یکی از سه الگوی غلبه ، رقابت و یا همکاری توجه می نماید. ساخت منطقه ای ، علاوه بر این ، با قرار گرفتن در میان دو سطح ملی و جهانی از یک سو از زوال دولت - ملت ها جلوگیری کرده و از سوی دیگر باعث نزدیکی و احدهای سیاسی شود.

مقاله ها :

مقاله: جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی، دکتر محمد ستوده، فصلنامه علمی ترویجی علوم سیاسی سال یازدهم، شماره چهل و دوم، تابستان ۱۳۸۷، دانشگاه باقر العلوم.

در این مقاله نویسنده با توجه به فرایندهای جهانی شدن و جهانی سازی و برشمردن برخی مؤلفه های جهانی شدن مانند نفوذ پذیری مرزها و فرصت ها و محدودیت های پیش روی کشورهای اسلامی بکارگیری دیپلماسی رسمی، عمومی و فرهنگی از سوی این کشورها را در مواجهه با جهانی شدن تعیین کننده می داند. وی تصویر سازی مثبت از سوی هر یک از دولت های اسلامی را، بوجود آورنده تمایل به همگرایی بین آنها می داند. و از طرفی همگرایی منطقه ای را نوعی سدی موقتی در برابر جهانی شدن برای آماده شدن کشورهای توسعه نیافته تلقی می کند.

مقاله: «همگرایی اقتصادی - منطقه ای و تأثیر آن بر رشد کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری های قفقاز» آذربایجانی، کریم، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۱، ۱۳۸۱

در دیدی منفعت گرایانه آقای آذربایجانی در این مقاله عنوان می کند که: جهانی شدن ضمن بین المللی کردن بازارهای جهانی، محیط کاملاً رقابتی ایجاد کرده است که در آن واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارآمد بقا خواهند داشت. از اینرو دولت های ملی به منطقه گرایی و تشکیل ترتیبات منطقه ای روی خواهند آورد تا از این طریق اقتصاد خود را در تقابل با مشکلات جهانی حفظ کنند و رشد منطقه ای را میسر سازند.

مقاله: کوماسا، اس فاو، جهانی شدن و منطقه گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۸-۱۴۷.

در این مقاله با بررسی مفهوم و علل جهانی شدن عنوان می کند که امروزه دیگر رقابت در بین ملت ها برای سلطه ایدئولوژیک نیست بلکه رقابت بر سر بازار و منابع کمیاب است. در اقتصاد جهانی امروز، آنچه اهمیت دارد مسائل ژئواکونومیک است نه ژئوپلتیک.

در این مقاله به برخی از پیامدهای جهانی شدن برای کشورهای در حال توسعه ، اشاره شده است . بطور خلاصه عنوان شد که جهانی شدن دارای آثار متضادی است . اثرات مثبتی همچون انتقال تکنولوژی ، افزایش بهره وری و بهبود شرایط زندگی عده ای از افراد در کشورهای در حال توسعه به همراه داشته است . اما همانطور که جهانی شدن برای برخی از مناطق و گروهها خیر و برکت دارد ، در عین حال مناطق و افراد محروم و فقیر را به حاشیه می راند و وضع و حال آنان را پریشان تر می کند.

امام زاده فرد ، پرویز : پدیده جهانی شدن و آثار آن در خاورمیانه ، نشریه سیاست خارجی سال

چهاردهم شماره ۲ ، تابستان ۱۳۷۹

این مقاله آثار پدیده جهانی شدن بر جوامع مختلف منطقه خاورمیانه را از سال های دهه ۹۰ به بعد بررسی کرده است. برای اینکار عناصر عمده چندی از پدیده مزبور را بصورت اندیشه و فرهنگ جهانی ، رسانه های جهانی شده ، گرایش جهانی به قومیت های درون جوامع ملی و فن آوری و سرمایه جهانی گرفته و تأثیر آن ها را بر نهادها و ساختارهای سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی خاورمیانه ارزیابی می کند. یافته های مقاله حاکی از این هستند که در اثر پدیده جهانی شدن نهادها و موسسات اجتماعی و سیاسی وابسته به دولت های منطقه خاورمیانه دچار فرسایش ، کاهش انسجام و یکپارچگی و افت کارایی سیاسی می شوند. همچنین وی مدل همگرایی اقتصادی خاورمیانه ای را از مدل های صرفاً عربی یا مدیترانه ای بهتر و کارآمدتر می داند.

سئوالات اصلی و فرعی تحقیق :

- پدیده جهانی شدن چه تأثیری بر روند منطقه گرایی در خاورمیانه گذاشته است؟
- و آیا جهانی شدن با حاکمیت ملی کشورهای منطقه در تعارض است. یا اینکه زمینه های تعامل آن وجود دارد؟

سئوالات فرعی :

- آیا با توجه به تئوری های همگرایی ، کشورهای منطقه خاورمیانه ، در این خصوص موفقیتی داشته اند؟
- در حال حاضر مهمترین نهادهای منطقه گرایی در خاورمیانه کدامند؟
- آیا معیار همگرایی ، پایه های اقتصادی است ، زیر بنای فرهنگی است یا مجموعه ای از اهداف سیاسی را در بر می گیرد؟
- رابطه جهانی شدن و منطقه گرایی چیست؟
- موانع منطقه گرایی در خاورمیانه کدامند؟

مفروض ها :

- چهار شرط کثرت گرایی در بعد ملی ، فرا ملی ، درونی شدن واحدها ، برون گرایی منطقه ای و تسری را به عنوان پیش شرط های همگرایی منطقه ای مفروض گرفته ایم .
- بعد هویتی خاورمیانه یکی از عوامل مهم مقاومت در برابر جهانی شدن است.
- لازمه جهانی شدن منطقه گرایی است.
- ساختار سیاسی کشورهای خاورمیانه ، عمده ترین مانع پیش روی تعامل این کشورها با جهانی شدن است.

فرضیه ها :

- وجوه اقتصادی و فرهنگی جهان شدن (در مقایسه با وجوه سیاسی آن) با سرعت بیشتری در طی دهه های آینده بر کشورهای در حال توسعه تأثیر پذیر خواهد بود.

- مبانی قانون اساسی ، ساختار و هویت نظام سیاسی دولت های این منطقه ، محدودیت های بسیاری

در پذیرش وجوه فرهنگی و سیاسی جهانی شدن ، پیش روی این کشورها قرار می دهد.

- تحول پایدار در سه میدان زیر ، بهره برداری از امکانات و فرصت های جهانی شدن را میسر و

تسهیل نموده و آسیب پذیری های کشورهای این منطقه را کاهش خواهد داد :

الف- تقویت بنیان های فرهنگی و ایجاد استحکام در هویت ملی

ب- ایجاد ثبات سیاسی از طریق شایسته سالاری و اتکا به حاکمیت و قدرت ملی و تقلیل پویولیسیم.

ج- اجماع فکری نخبگان سیاسی جامعه از کانون های متعدد قدرت

مفاهیم و متغیر اصلی تحقیق:

متغیر اصلی : جهانی شدن

متغیر وابسته: منطقه گرایی در خاورمیانه

مفاهیم کلیدی : جهانی شدن ، خاورمیانه، همگرایی منطقه ای ، موانع همگرایی

روش تحقیق :

روش تحقیق داده ها توصیفی - تبیینی است و شیوه جمع آوری منابع بصورت کتابخانه ای می باشد.

ضمن آنکه تلاش خواهد شد تا با داده های تاریخی به پرسش اصلی و پرسش های فرعی پاسخ داده

شود.